

بررسی ارتباط غیرکلامی در طبقات الصوفیه خواجه عبدالله انصاری

میلاد موحدی‌راد، مرتضی محسنی*، مسعود روحانی، احمد غنی‌پور ملک‌شاه

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

سال هفدهم، شماره دهم، دی 1403، شماره پی در پی 104، صص 217-239

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.17.7575>

نشریه علمی سبک‌شناسی و تحلیل متون نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: در آثار ادبی برای انتقال مفاهیم و پیامها، از ارتباطهای کلامی و غیرکلامی بهره جسته میشود. ارتباط غیرکلامی استفاده از حرکات بدن، آواها، حالت‌های چهره، پوشش، مکان و زمان در جریان برقراری ارتباط با مخاطبست. در این مقاله سعی شده‌است تا طبقات‌الصوفیه از منظر ارتباطات غیرکلامی تحلیل و نشان داده‌شود که خواجه عبدالله انصاری از انواع ارتباطات غیرکلامی برای روایت کتاب بهره گرفته‌است و انواع رفتارهای غیرکلامی مثل حرکات و اشارات بدن، مکان، مصنوعات، رفتارهای چهره، تماس‌های بدنی، تحلیل، طبقه‌بندی و بررسی شده‌است. هدف این مقاله معرفی، طبقه‌بندی، رمزگشایی و تحلیل انواع ارتباطات غیرکلامی در طبقات‌الصوفیه است تا نشان داده‌شود که چگونه زبان بدن میتواند کارکردهایی چون کنترل کردن، مکمل بودن، تاکید کردن و جانشین شدن را در کنار گفتگوهای کلامی داشته باشد.

روشها: در پژوهش پیش رو، با روش توصیفی - تحلیلی ارتباطهای غیرکلامی طبقات‌الصوفیه تحلیل شده‌است.

تاریخ دریافت: ۱۸ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۲۸ فروردین ۱۴۰۳

تاریخ اصلاح: ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۲ خرداد ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

زبان بدن، ارتباط غیرکلامی، تذکره، طبقات‌الصوفیه، خواجه عبدالله انصاری.

* نویسنده مسئول:

mohseni@umz.ac.ir

35302000 (۹۸ ۱۱)

یافته‌ها: بنظر میرسد در متون تذکره‌ای، علاوه بر نمونه‌های عمومی ارتباطات غیرکلامی، نموده‌های ویژه‌ای وجود دارد که مختص به همین نوع متنست. دسته‌بندی و پرداختن به این نوع نموده‌های ویژه و مختص است که میتواند موجب تمایز این پژوهش از دیگر آثار در این زمینه شود. اشاره‌های غیرکلامی، طبقات‌الصوفیه را تفسیرپذیر، عمیق و چندمعنا کرده‌است؛ چنانکه هر مخاطب با توجه به پیش‌بینی فرهنگی و اجتماعی خود قادر خواهد بود به تفسیر و رمزگشایی متن طبقات‌الصوفیه بپردازد.

نتیجه‌گیری: بررسیها نشان میدهد که ارتباطات غیرکلامی در طبقات‌الصوفیه بیشتر برای جانشینی پیام کلامی بکاررفته‌اند و مؤلفه ظاهر فیزیکی بدلیل بیان مقاصد تربیتی و موقعیتهای فردی و اجتماعی، بیشترین کاربرد را داشته‌است و از میان مؤلفه رفتارهای فیزیکی، رفتار غیرکلامی دست، به دلیل حرکت به سوی خدا و دستگیری (ضمن معنای کنایی) در سیروسلوک عرفانی و تربیت دینی بالاترین بسامد و رفتار فیزیکی سر، درمیان این مؤلفه‌ها، کمترین بسامد را دارد و از آنجا که در عرفان سرسپردن به غیر خدا مضموم و ناپسندست کم بسامد بودن این رفتار قابل توجه و تأملست.



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Investigating non-verbal communication in Sufi categories of Khwaja Abdullah Ansari

M. Movahedi Rad, M. Mohseni*, M. Rohani, A. Ghanipour Malekshah

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 08 March 2024

Reviewed: 16 April 2024

Revised: 30 April 2024

Accepted: 11 June 2024

KEYWORDS

body language, non-verbal communication, remembrance, classes of Sufis, Khwaja Abdullah Ansari.

*Corresponding Author

✉ mohseni@umz.ac.ir

☎ (+98 11) 35302000

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Verbal and non-verbal communication is used in literary works to convey concepts and messages. Non-verbal communication is the use of body movements, sounds, facial expressions, clothing, place and time in the process of communicating with the audience. In this article, an attempt has been made to analyze the categories of Sufism from the perspective of non-verbal communication and show that Khwaja Abdullah Ansari from All kinds of non-verbal communication have been used to narrate the book and all kinds of non-verbal behaviors such as body movements and gestures, location, artefacts, facial expressions, body contacts, analysis, classification and review. The purpose of this article is to introduce, classify, decode and analyze the types of Non-verbal communication is in Sufism categories to show how body language can have functions such as controlling, complementing, emphasizing and replacing verbal conversations.

METHODOLOGY: In the present research, the non-verbal communication of Sufi sects has been analyzed with the descriptive-analytical method.

FINDINGS: It seems that in tazkira texts, in addition to the general examples of non-verbal communication, there are special expressions that are specific to this type of text. Categorizing and dealing with this kind of special and specific manifestations can distinguish this research from other works in this field. So that every audience will be able to interpret and decipher the text of Tabaqat Sufi, according to their cultural and social background.

CONCLUSION: The research shows that non-verbal communication in Sufi classes is mostly used to replace the verbal message, and the component of physical appearance has been used the most due to the expression of educational purposes and individual and social situations, and among the components of physical behaviors, non-verbal behavior The hand has the highest frequency due to the movement towards God and capture (with ironic meaning) in mystical behavior and religious education, and the physical behavior of the head has the lowest frequency among these components. The low frequency of this behavior is remarkable and interesting.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.17.7575>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 27	 10	 0

مقدمه

موضوع ارتباطات، پدیده‌ای بنیادینست که دیرینگی آن به اندازه طول حیات بشر بر روی کره زمینست. انسان از زمانیکه در کنار هم زیستن را تجربه کرده‌است، به ضرورت ایجاد ارتباط با هم‌نوع خود پی برده‌است. ارتباط یک فرایند یا یک فراگردست و «از مفهوم فراگرد برمیاید که ارتباط پدیده‌ای ایستا نیست؛ اجزا و عناصر درونی آن، دارای کنشهای متقابل هستند و هر یک بر دیگری تأثیر میگذارد و از دیگری تأثیر میپذیرد؛ بنابراین بطور مداوم در حال تغییرست» (محسنیان راد، ۱۳۸۹: ۵۷). و ارتباط غیرکلامی به کلیه پیامهایی گفته‌میشود که فرد علاوه بر کلام، آن را مبادله میکند و از نشانه‌های آن میتوان به طرز ایستادن، طرز پوشش، اشارات اندامی و حرکات چهره، زمان و مکان و... است. دنیای رفتارهای غیرکلامی یکی از مهمترین بخشهای ارتباطات فردیست و تخمین میزند که ۶۵ تا ۹۳ درصد انتقال پیامها و معانی در جریان ارتباطات از طریق رفتارهای غیرکلامی صورت گیرد. اگر این ارقام کمی زیادتاز حد واقعی باشد باز هم نمیتوان تأثیر ارتباط غیرکلامی را بر اتفاقاتی که میان انسانهای در حال ارتباط میافتد، انکار کرد (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۲۷۲-۲۷۳).

بیشتر جنبه‌های رفتارهای غیرکلامی ریشه در زبان و فرهنگ دارند و «به همان ترتیب که عناصر زبانی فرهنگی فراگرفته‌میشوند، آنها نیز کسب میگردند، بجز معدودی از رفتارهای غیرکلامی جهانی که عمدتاً در بیان احساسات نقش دارند. مفاهیم فرهنگی اغلب در قالب حرکات بدنی یا حالت‌های مشخصی از صورت شکل میگیرد و بر حسب ویژگیهای فرهنگی متغیرند، مثلاً رفتار غیرکلامی خاص که برای کودکان مناسبست، ممکنست مناسب بزرگسالان نباشد» (جهانگیری، ۱۳۷۸: ۲۶).

خواجه عبدالله انصاری در کتاب طبقات الصوفیه با ذوق لطیف و نکته سنج خود، شرح حال عرفا را به تصویر کشیده است و اثرش یکی از منابع اساسی به منظور بررسی اوضاع زبانی و ادبی ایران در قرن پنجم هجریست که به علت محتوای دقیق و جزییات مربوط به زندگانی و بیان مفاهیم عرفانی در پرده‌ای از نثر ساده و دلاویز از ارکان استوار نثر فارسی و عرفانی محسوب میشود. در این کتاب خواجه عبدالله با توجه به نگرشی که به عرفان دارد رفتار ویژه‌ای هم با زبان دارد و مجموع ارتباطات غیرکلامی خود را به حکم پوششی برای مقاصد کلامی خود قرار میدهد.

در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی ارتباطهای غیرکلامی طبقات الصوفیه تحلیل شده‌است. هدف این مقاله معرفی، طبقه بندی، رمزگشایی و تحلیل انواع ارتباطات غیرکلامی در طبقات الصوفیه است تا نشان داده شود که چگونه زبان بدن میتواند کارکردهایی چون کنترل کردن، مکمل بودن، تاکید کردن و جانشین شدن را در کنار گفتگوهای کلامی داشته باشد.

پیشینه پژوهش

درباره ارتباطات غیرکلامی در متون تذکره‌ای فارسی تا کنون تحقیقی جامع انجام نشده‌است. در یک نگاه کلی آثاری که در این زمینه تالیف شده‌اند مبنای کار خود را بیشتر بر تعاملات روانشناسانه گذاشته‌اند و در تعامل بین دو فرد، دو دوست، کودک و مادر و یا شیوه‌های سخنرانی نشان داده‌اند. در خصوص بررسی ارتباط غیرکلامی در تذکره‌های موجود در زبان و ادبیات فارسی، کاری صورت نگرفته‌است؛ اما چند منبع زیر، در این زمینه راهگشا بوده‌اند:

ارتباط غیرکلامی در شاهنامه فردوسی، کتابون علیزاده، (۱۳۸۳). نویسنده در این مقاله ضمن تاکید بر زبان بدن، نشانه‌های غیرکلامی را کهن‌الگوی بسیاری از کنشهای رفتاری ایرانی دانسته و در ساحت و هنگامه زندگی حماسی و هویت ملی و اجتماعی ایرانیان تلاش کرده تا مفاهیم پوشیده و پیچیده فرهنگی را رمزگشایی کند. نقش ارتباط غیرکلامی در داستان‌پردازی مولانا، دانشگر، (۱۳۸۶). نویسنده ضمن تاکید بر «گفتگو» در داستان‌پردازیهای مولانا و تقسیم آن به دو بخش کلامی و غیرکلامی تلاش میکند که ارتباطات غیرکلامی را بخش مهمی از اشعار مولانا در نظر بگیرد و با این شیوه ارتباط، بیشترین پاسخگویی را به مخاطب خود منتقل کند. رمزگشایی از رفتارهای غیرکلامی در داستان روی ماه خداوند را ببوس مصطفی مستور، احمد رضی، وسمیه حاجتی، (۱۳۸۹). نویسندگان با تاکید بر یکی از داستانهای مستور کوشیده‌اند رفتارهای غیرکلامی بازتاب یافته در این داستان را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و بر اساس نظریه پل اکمن و والس فریسن در طبقه‌بندی و تحلیل رفتارها در دو حوزه رمزگذاری و کاربردی به بررسی متن داستان پرداخته‌اند.

نوع‌شناسی مؤلفه‌های ارتباط غیرکلامی در قرآن کریم، مروتی و دیگران، (1392). نویسندگان در این مقاله ضمن تاکید بر زبان بدن و توجه به علائم آن مانند حالات چهره و وضعیت جسمانی بیش از پیش ما را بدقت در رفتارها تشویق میکنند و با روشی تحلیلی توصیفی به واکاوی جایگاه ارتباطات غیرکلامی در پرتو آموزه‌های دینی میپردازند. ارتباطات غیرکلامی در شعر حافظ، قبادی و مهرجردی، (۱۳۹۴). نویسندگان در این مقاله تلاش کرده‌اند با تحلیل این اثر مهم از دیدگاه ارتباطات غیرکلامی، زیرکی و چیره‌دستی حافظ را در برقراری ارتباط با مخاطب، فراتر از مرزهای کلام مورد تفسیر فرهنگی قرار دهند.

ارتباطهای غیرکلامی در روایتهای تاریخ بیهقی، مریم محمودی و دیگران، (1395). نویسندگان در این پژوهش کوشیده‌اند تا با نگاهی نو و میان‌رشته‌ای روایتهای تاریخی بیهقی را از منظر ارتباطات غیرکلامی تحلیل کنند و نشان دهند که بیهقی از انواع ارتباطات غیرکلامی در روایت تاریخی خود بهره برده‌است.

نقش کنایه در ارتباطهای غیرکلامی، محسنی و دیگران، (۱۳۹۶). نویسندگان در این مقاله، به پیوند ارتباطات غیرکلامی و کنایه پرداخته‌اند و نقش انواع آن، بویژه کنایه مصدری را در این میان، موثرتر بیان کرده‌اند. و از مؤلفه‌های مختلف، مؤلفه اشاره و حرکت را بدلیل حمایت از شخص مورد نظر بیشترین بسامد و مؤلفه زمان را بدلیل عجله و شتاب، کمترین بسامد دانسته‌اند.

بررسی و تحلیل ارتباطات غیرکلامی در حکایت حسنک وزیر، محسنی و دیگران، (۱۳۹۶). نویسندگان در این مقاله، مصداقهای ارتباطهای غیرکلامی را که شامل ظاهر فیزیکی، اشاره و حرکت، چهره و رفتار چشمی، فضا و محیط اطراف در داستان حسنک بوده، کاویده‌اند و بالاترین بسامد را از نوع رفتار غیرکلامی «بساوایی» دیده‌اند.

روابط غیرکلامی در غزلیات شمس، اله یار افروخته، (۱۳۹۹). نویسندگان در این مقاله با نگاهی میان‌رشته‌ای، غزلیات شمس را از منظر علوم ارتباطات کاویده‌اند و انواع رفتارهای غیرکلامی مثل حرکات بدن، زمان، مکان و مصنوعات رمزگشایی شده‌اند. باید اشاره کرد که در بیشتر این پژوهشها، همان دسته‌بندی رایج ارتباطات غیرکلامی در نظر گرفته شده‌است. این در حالیست که در ادبیات فارسی و بویژه در تذکره‌های عرفانی، پژوهشی صورت نگرفته‌است. این تذکره‌ها بدلیل فضای حاکم بر اندیشه و روان عارفان ایرانی و جامعه‌ای که در آن میزیسته‌اند با توجه به پرده‌پوشیها در بکاربردن اسرار سیروسلوک و استفاده از معانی وارانیه برای تعلیم و تربیت افراد و با در نظر گرفتن زمان و مکان و شرایط حال اجتماعی و فرهنگی دوران، معانی مورد نظر به اشکال مختلف القاء میشده‌است.

بیان مسأله

تذکره عرفانی طبقات الصوفیه به این دلیل مورد بررسی این پژوهش قرار گرفته که سرشار از اشاره‌های سربسته و مسائل ناگفتنیست. عناصر و عوامل مربوط به ارتباط غیرکلامی بر اساس بستری که در آن واقع میشوند، مفاهیمی را به ذهن مخاطب، انتقال میدهند که ممکنست با نقش آنها در بسترهای دیگر متفاوت باشد. کارکرد عناصر مربوط به ارتباط غیرکلامی در تذکره طبقات الصوفیه خواجه عبدالله انصاری، بیشتر بر مبنای مسائل عارفانه میان پیر و مرشد با مرید و سالکست. بنظر میرسد در متون تذکره‌ای، علاوه بر نمونه‌های عمومی ارتباطات غیرکلامی، نمودهای ویژه‌ای وجود دارد که مختص به همین نوع متنست. دسته‌بندی و پرداختن به این نوع نمودهای ویژه و مختص است که میتواند موجب تمایز این پژوهش از دیگر آثار در این زمینه شود. اشاره‌های غیرکلامی، طبقات الصوفیه را تفسیرپذیر، عمیق و چندمعنا کرده‌است؛ چنانکه هر مخاطب با توجه به پیشینه فرهنگی و اجتماعی خود قادر خواهدبود به تفسیر و رمزگشایی متن طبقات الصوفیه بپردازد.

پرسشهای پژوهش

- مؤلفه‌های ارتباط غیرکلامی در تذکره طبقات الصوفیه کدامند؟
- چگونه ارتباطات غیرکلامی در اشاعه نکات تربیتی عرفانی تأثیر داشته‌است؟
- کدامیک از مؤلفه‌های ارتباط غیرکلامی در طبقات الصوفیه بیشترین یا کمترین کاربرد را داشته‌اند؟

روش پژوهش

روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و واحد تحلیل، متن کتاب طبقات الصوفیه است. نویسندگان میکوشند با تحلیل متن به زوایای ذهنی نویسنده راه یابند و با بدست آوردن اطلاعات مستقیم و آشکار از مطالعه مؤلفه‌های ارتباط غیرکلامی به تحلیل طبقات الصوفیه بپردازند.

چهارچوب مفهومی

تعاریف ارتباط و ارتباط غیرکلامی

قدیمیترین تعریفی که از «ارتباط» در دست است از «ارسطو» فیلسوف یونانیست. وی حدود ۲۳۰۰ سال پیش در کتاب «ریطوریکا» که آن را معادل «ارتباط» میداند، چنین نوشته‌است: «ارتباط عبارتست از جستجو برای دست‌یافتن به کلیه وسایل و امکانات موجود برای ترغیب و اقناع دیگران» (محسنیان، ۱۳۹۸: ۴۳). و نیز در تعریفی دیگر بر این باورست «ارتباط فن انتقال اطلاعات، افکار و رفتارهای انسانی از یک شخص به شخص دیگرست» (ساروخانی، ۱۳۸۷: ۱۹). «ارتباط از نظر لغوی واژه‌ایست عربی که در فارسی بصورت مصدری به معنای پیوند دادن و ربط دادن و بصورت اسم مصدر به معنای پیوند، پیوستگی و رابطه بکار میرود. ارتباط عبارتست از فن انتقال اطلاعات، افکار و رفتارهای انسانی از یک شخص به شخص دیگر» (ساروخانی، ۱۳۸۷: ۱۹). انسان موجودی اجتماعیست و برای رفع نیازهای خود با دیگر افراد جامعه ارتباط برقرار میکند «بنابر گواهی تاریخ، بشر از دیرباز بصورت اجتماعی میزیسته و یکی از مهمترین نیازهای آدمی در زندگی برقراری ارتباط با هموعان و ایجاد تفهیم و تفاهم بشریست» (باقری، ۱۳۹۰: ۱۷). همچنین «ارتباط را میتوان فرآیندی آگاهانه یا ناآگاهانه دانست که از

طریق آن احساسات یا نظرات به شکل پیامهای کلامی یا غیرکلامی بیان گردیده سپس ارسال و دریافت و ادراک میشوند» (برکو، ۱۳۹۳: ۵). «ارتباط محور اصلی زندگی انسان را تشکیل میدهد و از این طریق توانسته به آرزوها و اهداف خود دست پیدا کند» (کول، ۱۳۷۷: ۷). در یک طبقه‌بندی کلی، ارتباط میان انسانها را به دو دسته: «ارتباط کلامی و ارتباط غیرکلامی» تقسیم کرده‌اند. افراد برای انتقال مفاهیم و ایجاد ارتباط و نشان دادن عواطف و احساسات، پیامها و افکار خود، همیشه نمیتوانند از طریق کلام، نیازهای خود را برآورده‌کنند؛ بلکه گاهی باید با توجه به شرایط و موقعیتهای موجود آمده از کارکرد ارتباطی غیرکلامی نیز بهره ببرند.

ارتباط کلامی که با دو نمود «گفتار» و «نوشتار» نمایان میشود مورد توجه پژوهشگران بوده‌است، به ویژه نمود نخستین یعنی «گفتار» از زمانیکه علم «زبان‌شناسی» بوجود آمده مورد بررسی همه‌جانبه قرار گرفته‌است. اما «ارتباط غیرکلامی» که بنظر میرسد، سابقه و قدمت بیشتری نسبت به شاخه دیگر داشته‌باشد، کمتر مورد بررسی واقع شده‌است. «ارتباط غیرکلامی، یکی از بخشهای پراهمیت ارتباطات فردیست. علاوه بر این، میزان تأثیر ارتباط غیرکلامی بر اتفاقاتی که میان افراد در حال ارتباطست، قابل انکار نیست» (وود، ۱۳۸۳: ۲۸۴).

انواع ارتباط غیرکلامی

ارتباطات غیرکلامی، سهم ویژه‌ای در دامنه ارتباطات بشری دارند، رفتارهای غیرکلامی شامل مقوله‌های زیرست:

ظاهر فیزیکی

ارگانیزم پیچیده انسان، از دو بخش درهم تنیده، شکل گرفته که یکی جانست و دیگری جسم یا بدن. «تا زمانیکه زنده هستیم و ارتباطی پویا با دیگران داریم، من بدنم هستم. زبان انگلیسی برای این هویت، تعبیر روشنی دارد. Some body یک شخصست و no body هیچکس نیست. بدن بدون موجودیتی برای کسی متصور نیست و ما معنی پیدا نمیکنیم» (مولکو، ۱۳۹۵: ۲۳). ظاهر هر فردی، معرف هویت فردی و اجتماعی اوست. ما در نخستین برخورد با فردی، قبل از آنکه با او گفتگو کنیم و با آرا و عقاید و سلیقه او آشنا شویم، بر اساس ظاهر او، او را مورد قضاوت قرار میدهم؛ در همان برخورد اول، ممکنست از او خوشمان بیاید یا برعکس، احساس ناخوشایندی نسبت به او پیدا کنیم. ممکنست در این قضاوت با استفاده از زبان بدن افراد و نیز توجه به ظاهر فیزیکی آنان به ضعفها و قدرت آنها پی‌بریم؛ چنانکه بدن انسان و ضعفها و قدرتهای آن «معرف تجسد یافته منش و منزلت» افراد محسوب میشوند که کنشگران آن را توصیف میکنند (لوپز و اسکات، ۱۳۸۵: ۱۵۵).

نکته قابل توجه اینست که «امکان سوء استفاده از افراد، بر اساس همین قضاوت در مورد ظاهر فیزیکی آنانست. سارقان حبس کشیده میگویند: ما قربانیها را بطور تصادفی انتخاب نمیکنیم، بلکه آنها را با دقت زیادی انتخاب میکنیم. سارقان از طرز راه رفتن دیگران میتوانند آدمهای فاقد اعتماد به نفس را شناسایی کنند و انفعال را از چهره و حالت بدن آنان بخوانند. یکی از دزدان حرفه‌ای میگفت: برخی آدمها داد میزنند که ما طعمه خوبی هستیم» (تی وود، ۱۳۹۰: ۳۰۳).

اشاره و حرکت: حرکات رساتر از واژه‌ها حرف میزنند مثل تکان دادن سر، روبوسی کردن، نشستن، برخاستن و...
رفتار چهره: چهره، گویای احساسات، حالات و نگرشهای انسانست و ما را در هدایت و تنظیم تعامل با دیگران یاری میرساند.

رفتار چشم یا ارتباط دیداری: بدون نیاز به گفتن کلمه، میتوان به دیگران القا معنی کرد و به آنها نزدیک یا دور شد، عشق ورزید و نفرت‌افکنی کرد.

ارتباطات آوایی: از شنیدن صدا، لحن و نحوه بیان، سکوت، مکث، لهجه و گویش افراد اطلاعاتی مثل: سن، جنس، وضع جسمانی، قابل اعتماد بودن، غم و اندوه و....

فضا و مکان: از نحوه استفاده انسانها از محیط و دخل و تصرف در آن پیامهایی مثل مشارکت، تهاجم، تجاوز و..... حاصل میشود.

لمس: موقعیت و فرهنگ هر جامعه‌ای رفتارهای بساوایی آن جامعه را شکل میدهد.

زمان: عبارتست از چگونگی ادراک، استفاده، مطالعه، ساختار و واکنش ما به پیامهای زمان.

تجزیه و تحلیل

بر اساس بررسیهای انجام گرفته در طبقات الصوفیه از میان ۸ مؤلفه ارتباط غیرکلامی که در چهارچوب مفهومی این مقاله توضیح داده شد، پنج مؤلفه (ظاهر فیزیکی، فضا و مکان، مصنوعات، ارتباطات آوایی و بساوایی) نمود داشته‌است که در ذیل به بررسی و تحلیل موارد اشاره شده میپردازیم.

در مطالعه زبان بدن دو رویکرد وجود دارد؛ رویکرد ساختاری و رویکرد متغیر ظاهری. در رویکرد ساختاری رفتارهای حرکتی به تک رفتارها تقسیم میشوند و در رویکرد دوم بیشتر به کلیت کنشهای رفتاری توجه میشود و رفتارها در کنار یکدیگر مطالعه میگردد (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۸: ۱۵۹-۱۶۱).

رفتارهای چهره و ارتباطات دیداری

حرکت اندامها و زبان بدن نقش تعیین کننده در القای معانی پنهان در آنها دارد؛ بگونه‌ای که هر حرکتی شبیه کلمه‌ای در زبانست. «ارتباط در هر شکلی در برگیرنده عناصر کلامی و غیرکلامیست که به آن ژستها یا حرکات جسمانی میگویند. پیام در درجه نخست با نشانه‌های آوایی و زبان شناسیک ارائه و دانسته میشود اما در درجه بعد نشانه‌های حرکتی در تدقیق معنا نقش مهمی دارند» (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۵).

حرکت اندامها شامل کلیه اشاره‌ها، حرکات سر، رفتار چشم، حرکات بدن، بازوها، پاها، دستها و انگشتان میشود که به گفتگوی کلامی ما شفافیت میبخشد و آنرا هدایت میکند و از این طریق میتوان احساسات را انتقال داد و معانی پنهان را القاء کرد.

حرکات غیرکلامی مربوط به چشم

چهره انسان وسیله‌ای اولیه برای انتقال پیامست و شاید بتوان گفت چهره انسان بویژه اطراف چشمها، مهمترین بخش در انتقال پیامهایی غیرکلامیست و در فرآیند ارتباطات جنبش و حرکات اعضای بدن، «طرز راه رفتن و ایستادن، حالت‌های چهره و چشمها و چگونگی این متغیرها برای باز کردن یا بستن کانالهای ارتباطی را حرکت گفتاری میگویند» (برکو، ۱۳۷۸: ۱۲۸).

تظاهرات چهره‌ای از این جهت مهم هستند که «هنگام گفتگو کردن بیشترین مدت زمان را به نگاه کردن در چهره یکدیگر اختصاص میدهیم و به اجزای دیگر بدن کمتر توجه میکنیم. افراد در طول مدت گفتگو بطور متوسط بین یک تا دو سوم مدت زمان مکالمه‌شان به یکدیگر نگاه میکنند» (جیمز، ۱۳۷۷: ۱۲۱).

اولین پیامی که در اولین ارتباط چهره به چهره از افراد دریافت میکنیم از ناحیه چشمست و چشمان ما مهمترین کانون ارتباطی با دیگرانست. چشم ما در نخستین برخورد تأثیرات مهم خود را برجای میگذارد و «نوع اشارات

غیرکلامی در اولین برخورد، محبوبیت و تخصص ما را نزد سایرین رقم میزند و باعث جلب توجه و علاقه دیگران نسبت به ما میشود» (کول، ۱۳۷۷: ۱۹۸).

*شیخ الاسلام گفت که: بوعبدالله نباجی گوید که چشم برو دار که هیچ نشان از روشنتر نیست (انصاری، ۱۳۶۲: ۲۵۱).

در واژه «چشم بر او دار» حرکت و اهمیت چشم که مبین توجه خاص بوده و با ژستهای خاص خود همراه است بر توجه ویژه داشتن به کسی و از او پیروی کردن دلالت دارد. شیخ الاسلام در واقع لزوم پیروی کردن را مهم می‌شمارد و تسلیم بودن را تنها راه رسیدن به علم و معرفت دانسته است.

*عبدالملک گفت که: چشم نهادم؛ آن، وی [منصور حلاج] بود و آن همه که گفته بود، با او بکردند (همان: ۳۸۲). در این جمله، خواجه عبدالله مطالب متفاوتی چون کرامت‌فروشی را نقد کرده و کرامات مشایخ مختلف چون ابوالخیر تیناتی را بزرگ می‌بیند و چشم فرا نیامدن را به نشانه به چشم نیامدن اعتبار دیگران در نزد خود بکار میبرد. *به روزگاری مرا موالی فرا چشم نیامدی و به کس نداشتی، مگر ایشان که به اصل از عرب بودی (همان: ۴۷۳). کم ارزش شمردن کار دیگران با توجه به معنای کنایی کارکردی جانشینی دارد و نگاه از سر تحقیر و کوچک شمردن بندگان خدا همواره مورد نکوهش مریبان اخلاق بوده است. خواجه در اینجا با استفاده از نشانه غیرکلامی کنایی آن، این رفتار اشتباه را مورد نقد قرار میدهد.

دیدار و دیدن خداوند با چشم سر در خواب و همصحب شدن با پیامبران و اولیای ایشان نیز از دیگر نشانه‌های ارتباط غیرکلامی مربوط به چشمست که کارکردی جانشینی دارد و همواره جنبه تربیتی داشته و نشانه عظمت روح خواب بیننده است. این دیدار تماشایی همواره به نکته‌ای عمیق در نفس خواب بیننده اشاره میکند و یا بشارتی بزرگ در زندگی اوست بشکلی که عقده‌ها و مشکلات درونی و سلوکی خواب بیننده را درمان میکند. نکته قابل تأمل دیگر رسیدن به معرفت در خواب بیننده است.

*شیخ الاسلام گفت که: قاضی ابراهیم باخزری مرا گفت که الله تعالی را به خواب دید، گفتم: خداوند، بنده به تو کی رسد؟ گفت: آنگاه که او را هیچ مانع نماند که او را از من وا دارد (همان: ۱۰۶).

نمونه رفتار غیر کلامی - چشم

رفتار غیر کلامی	پیام	کارکرد
چشم بر او دار	زیر نظر گرفتن غیر مستقیم	جانشینی
از چشم خدا میافتد	بی‌اعتباری	جانشینی - تأکیدی
خود را از چشمها افکند	بی‌اعتباری	جانشینی - تأکیدی
چشم نهادن	انتظار	جانشینی
فرا چشم نیامد	دیده نشدن	جانشینی
ننگریستن	حقیر دیدن	جانشینی
به خواب دید مصطفی را	محبت و علاقه	جانشینی
به خواب دیدن خدا	حیرت	جانشینی

حرکات غیرکلامی مربوط بصورت (چهره)

یکی از راههایی که با آن میشود با دیگران ارتباط غیرکلامی برقرار کرد حرکات چهره در بحث زبان بدنست؛ تا آنجا که ارسطو «بیش از همه در خصوص چهره تجربه و بررسی داشته و میگوید که میان چهره انسان با روح او رابطه تنگاتنگی وجود دارد و میتوان با علایم موجود در چهره انسان و حالات و شکل ظاهری قیافه به ماهیت درونی انسان پی برد» (افراخته، ۱۳۹۹: ۷).

از چهره افراد میتوان به احساسات متفاوتی چون عشق، نفرت، ناباوری، مهربانی و... پی برد. انسان نگرشها و حالات خود را از این طریق منتقل میکند. «چهره گویاترین کانال ابزار عواطفست و این عواطف را میتوان بر حسب جنبههایی چون خوشایند بودن یا ناخوشایند بودن و سطح برانگیختگی تقسیم بندی کرد. با این همه برون فکنیهای چهره نیز در انواع مجزا جای دارند مثلا در شادی، غم، شگفتی، خشم و...» (آرژیل، ۱۳۷۸: ۱۳۸) و «اگر تظاهرات چهره ای و بیاناتی که به کار برده میشوند با همدیگر تناسب نداشته باشند پیام مهمی برای یادگیرندگان ارسال میگردد. یکی از نکات اساسی در ارسال پیامها همخوانی تظاهرات چهره ای متناسب با پیامست، مثلا اگر میخواهید نکته ای را به شوخی بیان کنید باید سعی شود بین بیان و تظاهرات چهره ای تناسبی برای نشان دادن این که حرف شما شوخیست و جدی نیست، برقرار شود» (دیمیک، ۱۳۸۵: ۵۷).

* شیخ بوالخیر حبشی میامد و از خشم، زردی بر روی وی اثر کرده (همان: ۴۱۰).

* با ایشان بنشست و دست در بازی کرد با ایشان و آب در من فرو میرفت از خجلی که این چیست که کرد؟ (همان: ۵۱۱).

در این جملات روی کردن به معنای تبعیت و پیروی کردن از کسیست و نشانه تسلیم و رضاست. خواجه عبدالله، حالت های مختلف چهره و نشانه های ظاهری آن مثل عرق کردن که نشانه شرمندگی و خجالتست و زرد شدن که نشانه خشم و آزرده گشت برای بیان جهل پادشاهی چون محمود در برابر درویش و تعریف جوانمردی از دید شیخ بوالخیر بکار میرسد پادشاه با عرق کردن حقارت خود را مقابل عظمت درویش دریافته و صوفیان معنای حقیقی جوانمردی را به خشم استاد خود بوسعید فهمیده اند.

* وقتی قومی آمده بودند از یمن، قرآن میشنیدند و میگریستند و با دلهای خوش و تازه میزاریدند (همان: ۵۰).
و این گریه، نشانه شادمانی بوده است و لذت بردن از اشک حسرت و گاهی هم گریه برای افراد غافل و جاهل بوده است. حالت های مختلف گریستن پیام های متفاوتی را به تناسب چهره و موقعیت فرد انتقال داده است.

* ذوالنون مرا گفت: این مردمان نشاط میکنند که امانت داشته اند، بگزارده اند. خود ندانند که از ایشان پذیرفته اند یا نه؟ یعنی طاعت رمضان، بیا تا به یکسو بازشویم و بر ایشان بگرییم (همان: ۲۵۲).

نمونه رفتار غیرکلامی - صورت /وجه /چهره

رفتار غیرکلامی	پیام	کارکرد
پس روی کنید بروی	پیروی و تبعیت	جانشینی
زردی بر وی اثر کرد	خشم	جانشینی
آب در من فرو میرفت	شرم	تاکیدی /جانشینی
با دلهای خوش میزاریدند	تاثیر و تاثیر	جانشینی
من از شادی میگریم	احساس شفع	جانشینی
یکسوبازشویم و برایشان بگرییم	دلسوزی	جانشینی

حرکات غیر کلامی مربوط به دست

افراد در برخوردهای اجتماعی خود، «از حرکات بدنی بسیار زیادی استفاده میکنند، هر چند حرکات دست از همه گویاترست. ژست‌ها معمولاً بمعنای حرکت ارادی، بدن بوسیله دست‌ها، سر یا سایر بخش‌های بدن بمنظور انتقال اطلاعاتست» (آرژیل، ۱۳۷۸: ۳۴۷). در طبقات الصوفیه، حالت‌های دست و پا ابزاری مهم در ارتباطات غیر کلامی است. دست‌شستن و دست‌گشودن و دست‌کشیدن و دست بر زانو زدن و این گونه توصیف‌ها پیام‌های گوناگونی را به مخاطبان القاء میکند.

* داود گفت: خداوند، مرا گفתי دست و پای و روی بشوی خدمت را، کنون با صحبت میخوانی، دل من چه چیز بشوید؟ (انصاری، ۱۳۶۲: ۲۸۷). در این عبارت نیز طلب دستگیری از سمت و سوی حق با توجه بدست شستن خدمت نمود یافته‌است.

همچنین دست‌گشودن بر کسی به نشانه عطا کردن و بخشیدن مال بوده‌است، چنانچه در جمله زیر دست‌گشودن با واژه احسان همراه شده‌است. همانگونه که حق تعالی با دست‌گشودن بر انسان و دوستی با او، احسان و نعمت را در حق او تمام کرد.

* وی را قبولی برخاست. دست بگشادند به احسان (همان: ۱۱۵). دست بر دست زدن به قصد جلب توجه نیز از دیگر رفتارهای غیر کلامیست که گاه معنای حسرت و اندوه را منتقل میکند و گاهی نیز خاطره‌ای شیرین از روزهای گذشته است.

دست در کسی یا کسانی زدن، متوسل شدن به آنانست که میتواند با ژست‌ها و اعضای دیگر بدن نیز همراه گردد. تکرار دست دوستی دادن با خدا یا دوستان خدا که ابزار هدایت و دستگیرند قابل توجه و تاملست.

* بوالعباس عطا گوید: ار نتوانی که دست در او [خدا] زنی، دست در دوستان او زن؛ ار درویشان را نرسی بدرجه، ترا شفیع باشند (همان: ۴۱۳).

دست بر زانو زدن که نشانه غم و اندوهست و با توجه به حضور در قبرستان کاملاً متناسب با حالت‌های دیگر بدنست و رفتار غیر کلامی غم و اندوه را نشان میدهد.

* عطا گوید: در گورستان سعدون مجنون را دیدم در چهار طاقی از آن گورستان نشسته، دست بر زانوی خود میزد و با خود چیزی میگفت (همان: ۲۷۷).

کوبیدن در خانه کسی و احتیاج و نیاز بردن بر آستان دیگری از حالات نمایشی تأثیرگذارست که نهایت درماندگی را نشان میدهد. البته این درماندگی بر درگاه خداوند نه تنها مذموم نبوده که پسندیده‌است و از مهمترین اصول سالکانست. علاوه بر این در کوفتن اصرار بر «دستگیری و دست یافتن» را نیز به ذهن مبادرت میکند.

* ممشاد دینوری گفت که: شصت سالست تا در میکوبم، تا چه پاسخ که کیست و در؟ (همان: ۲۵۶).

نهادن طشت و ابریق در مقابل بزرگان و شستن دست آنان از دیگر نشانه‌های غیر کلامی بزرگداشت و حفظ احترام بوده‌است.

* من مصطفی - صلی الله علیه و سلم - در خواب دیدم، نشسته در صدر و جمعی مشایخ از این طایفه، گرد بر گرد او، فریشته‌ای فرود آمد، طشت و ابریق در دست، پیش یک یک مینهاد. دست میشستند (همان: ۴۱۳).

با کف دست آب خوردن و دست خود را بالش ساختن نیز به معنی بی‌اعتباری دنیا و کم ارزش ماندن آن در نظر صوفیانست و میتواند نشان تواضع و فروتنی شخص محسوب گردد.

* ابراهیم اطروش گفت: رکوة صوفی، کف او اید، و بالش او دست او اید (همان: ۴۸۱).

دست زدن بوسعید خراز برای بوعلی کاتب که در حال سماع بوده‌است، نشانه غیرکلامی تشویق برای جلب توجه‌است. صوفیان برای انتقال مفاهیم و معانی درونی خود، در واکنش به شرایط روحی همدیگر حالاتی اینگونه از خود بروز داده‌اند.

*بوعلی کاتب گفت که: وقتی بوالحسین بنان در وجد بود و رقص میکرد، بوسعید خراز وی را دست میزد (همان: ۴۸۸).

انگشت نما کردن خود رفتار است عمدی و ملامتی.

*چنان کن که ترا کم شناسند مردمان و کم بادید آبی که من گروهی بدیدم که انگشتنمای خلق بودند یعنی به پارسایی و نیکمردی؛ بیشتر هلاک گشتند و در سر آن شدند (انصاری، ۱۳۶۲: ۵۴۰).

گاهی نیز خوابیدن بر سجاده و دست زیر سر کردن و نوع رفتار صوفی نشانه آرامش مطلق و بی‌توجهی او به محیط پیرامون و آداب عرفی و اجتماعیست. رفتاری غیرکلامی که در قالب یک اعتراض که با حالتی اینگونه از بدن صادر میشود.

*مریدی از آن وی [بوعبدالله مولی] به آن‌جا گذشت، وی را دید خفته در سجاده و دست در زیر سر کرده (همان: ۵۵۶).

دست در جیب نکردن نشانه‌ای دیگر از رفتار ناپسند اسرافست. عملی که در تعالیم دینی بشدت ناپسندست و مورد غضب خدا.

*او [خواجه بوسهل] گفته که شصت و اند سال عمر منست، هرگز دست در جیب نکرده‌ام و گره بر چیزی نزده‌ام (همان: ۵۸۶). قفا خوردن کنایه‌ایست که به شکل بدنی رمزگذاری شده‌است و نه تنها معنای خشونت و عصبانیت نمیدهد بلکه با نوعی از صمیمیت و دلسوزی همراهست. دلسوزانه رستگاری شاگرد خود را در پیروی کامل از استاد عنوان میکند.

*شیخ الاسلام گفت: فلاح نباشد مرید را که دُلّ استاد و پیر نکشیده‌باشد و قفای وی نخورده‌باشد و لعنک‌الله استاد نشنوده‌باشد و یرحمک‌الله برنداشته‌بود (همان: ۵۴۷).

نمونه رفتارهای غیرکلامی – دست

رفتار غیرکلامی	پیام	کارکرد
دست‌پشوی خدمت را	آماده شدن جهت خدمت	تاکیدی/جانشینی
دست‌بگشادند به احسان	بخشش	جانشینی
دست بر دست میزد	جلب توجه	جانشینی
ار نتوانی که دست در او رنی	توسل جستن	تاکیدی/جانشینی
دست در زانوی خود میزد	غم و اندوه	تکمیلی/جانشینی
شصت سالست در میکوبم	توسل و توجه	جانشینی
ابریق در دست پیش نهاد	احترام	جانشینی
وی را دست میزد	تشویق و همدلی	جانشینی
دست زیر سر میکرد	بی‌خیالی و آرامش	جانشینی
هرگز دست در جیب نکرده‌ام	ولخرجی و اسراف	جانشینی
مریدی که قفای وی نخورده باشد	لزوم تنبیه استاد	جانشینی
انگشت نمای خلق بودند به پارسایی	شهره شدن	جانشینی
رکوة صوفی دست او اید	تواضع	جانشینی

حرکات غیرکلامی مربوط به پا و سر

برپا ایستادن به قصد احترام از نوع وابسته‌های فیزیکیست. نوعی حرکت از بدن که با فروتنی و تواضع بیش از حد همراهست.

به شکلی که در عبارات زیر با واژه‌هایی مثل «آداب نیکو» بیان میشود.

* با حفص پیر بود و شاگردان بر سر وی بیای بودند و آداب نیکو میورزیدند (انصاری، ۱۳۶۲: ۱۱۴).

* روزی خواجه سهل وی [شیخ ابوبکر شکیر] را دید و گفت: خویشاوند، چون هیچ به من نیایی؟ گفت: به تو آیم، مرا ورنخیزی (همان، ۵۸۴).

نوع نشستن با پا که نشانه اظهار فروتنی و حقیر شمردن خود در برابر بزرگان بوده‌است. زبان بدن این عبارت نوعی از حالت‌های نمایشیست که با مفهوم «خود را بزرگ ندیدن» پیامی غیرکلامی را تقویت میکند.

* عثمان عماره گوید که: به زمین حجر بود با ابراهیم ادهم و محمد ثویان و عیاد مثنوی، سخن میگفتم. جوانی بود فراتر (کنار، گوشه) نشسته، مرید بس با نیاز.... (همان: ۶۹).

چهار بالش بر پشت نهادن نشانه احتشام و اظهار بزرگیست که همراه با کنایه، پیامی غیرکلامی در فضایی همراه با جذب و عظمت، مجلسی بزرگ را به مخاطب القاء میکند.

* چون زجاج را عزم رفتن خاست با خود گفت: من از بغداد بروم، رویم ندیده باشم، چون کسی پرسد، چه عذر آورم؟ پنهان از جنید به وی شد. وی را دید در چهار بالش و احتشام تمام. (انصاری، ۱۳۶۲: ۲۶۲).

مربع نشستن (چهارزانو نشستن) نیز نشانه آسوده و بیخیال بودنست که نقطه مقابل چهار بالش نشستن است. دو نوع رفتار غیر کلامی برای نشان دادن دو فضای متفاوت.

* خواهی دوستی از آن ما ببینی، خیز به سر تل توبه شو تا ببینی (همان: ۳۵۰).

دراز کردن و کشیدن پا در حضور دیگران نشانه بی ادبیست. اهانت کردن به هر شکلی تذکر داده میشود. اگر استادی در میان نباشد این کارکرد هاتف غیبیست که خود گونه‌ای از رفتار غیرکلامی دیگرست.

* شاگرد بشر حافی گوید: پای فرو کردم؛ هاتفی آواز داد، گفت: آهکذی تجالس القلوب؟ (آیا در حضور پادشاهان اینگونه مینشینی؟) (همان: ۳۲۸).

موی در پای کسی مالیدن که نشانه احترام بزرگان داشتن است و همچنین برخاستن هنگام ورود و خروج افراد. تذکری که شیخ بوبکر با ناراحتی به خواجه سهل میدهد که برخاستن او را نوعی رفتار غیرکلامی از تکبر و غرور میبیند.

* شیخ الاسلام گفت: پیشین کسی که موی در پای من مالید، احمد چشتی بود (همان: ۲۲).

* و چشتی در پای من افتاد و موی سپید در پای من میمالید (همان: ۲۲).

* روزی خواجه سهل، وی [شیخ بوبکر شکیر] را دید، گفت: خویشاوند، چون هیچ به من نیایی؟ گفت: به تو آیم، مرا ورنخیزی، و من ننگری - یعنی که تکبر کنی - که من درویشم، به تذلل در من نگری، گفت: در آی که برخیزم. وقتی وی در سرای او شد، خواجه سهل بر پای خاست. چون بیرون آمد، برنخاست. بوبکر بیرون آمد و هنوز هرگز بر در وی نشد (همان: ۵۸۴).

دویدن به استقبال کسی نوعی دیگر از رفتارست که نشانه شادی و هیجان غیرقابل وصفست. هر چه شخص روبرو بزرگتر و با عظمتتر این استقبال با هیجان بیشتر و وجد پرشورتر همراه بوده‌است.

*درین سخن بودیم که مصطفی را دیدم - صلی الله علیه و سلم - که میامد با جماعتی از یاران اصحاب صفه. من چون او را بدیدم، از شادی دویدم فرا پیش او، مصطفی -علیه السلام - در من خندید (همان: ۲۸۸).

نمونه رفتارهای غیرکلامی - پا

رفتار غیرکلامی	پیام	کارکرد
بر سر وی بپای بودند	احترام	جانشینی
مرا ور نخیزی؟	احترام	جانشینی
دویدم فرا پیش او	استقبال	تاکیدی/جانشینی
موی در پای من مالید	احترام	جانشینی
بپای بود	احترام	جانشینی
فرا تر نشسته بود	تواضع و فروتنی	جانشینی
ویرا دید در چهار بالش	نشانه بزرگی	جانشینی
درمیان برف نشسته، مربع	بیخیال بودن	جانشینی
پای فرو کردم	بی احترامی	جانشینی
کنار نشسته با نیاز	تواضع و فروتنی	جانشینی

*عیسی - علیه السلام- پیوسته میرفتی با یک جامهٔ مرقع، سر برهنه و پای برهنه (انصاری، ۱۳۶۲: ۲۳).
فرهنگ بکارگرفتن سر و پا در این عبارت بخوبی نمایان شده است که عیسی با سر برهنه و طی کردن راه قدر و منزلت زهد و پرهیزگاری را نشان می دهد و ابراهیم گیلی شرمندگی و دوری گزیدن از خلق را، دو مفهوم مرتبط با هم با دو رفتار غیرکلامی نزدیک بهم.
*در گوشهٔ مسجد جوانی بود، سر در گریبان فرو برده، فراز شدم (همان: ۴۳۷).

نمونه رفتارهای غیرکلامی - سر

رفتار غیرکلامی	پیام	کارکرد
پیوسته میرفتی با سر برهنه	احترام	جانشینی
سردر گریبان فرو برده	دوری از خلق	جانشینی
تاج سر قوم گشتن	برتری معنوی	جانشینی
سر برهنه در بادیه شد	تحقیر	جانشینی

ارتباط بساواپی (لمسی)

این نوع از ارتباط از پیچیده ترین و صمیمیترین نوع ارتباطات غیرکلامیست. نحوهٔ لمس کردن، میزان لمس کردن و هدف از آن در نتیجهٔ هنجارهای فرهنگی یک جامعه بوجود میاید. لمس کردن نیز گونه های متفاوتی مثل: دست دادن، در آغوش کشیدن، بوسیدن سر و دست و بازو دارد.

لمس کردن دوستانه - صمیمی

در این نوع از ارتباط، تفاوت‌های میان فرهنگی بیشتر مشهودست. تعامل کنندگان با احساسات خود نشان می‌دهند که چقدر همدیگر را دوست دارند و چه مقدار برای هم ارزشمندند. «ابتدایی‌ترین اشکال زندگی، برای تعامل با محیط اطراف منحصر به لمس کردن متکی بوده‌است. لمس کردن موثرترین ابزار برای انتقال بسیاری از احساسات و عواطف به شمار می‌رود و تماس بدنی نشان علاقه و پذیرش است» (ریچموند، ۱۳۸۸: ۲۹۸). و «افزایش تماس یکی از مهمترین روش‌هاییست که افراد برای تشدید روابطشان مورد استفاده قرار می‌دهند» (وود، ۱۳۷۹: ۳۲۷). بنابراین میتوان گفت که «تماس بدنی اجتماعی‌ترین شکل ارتباط اجتماعیست. در روابط بین دوستان انواع گوناگونی از سلام و خوشامدگویی و خداحافظی شامل دست دادن، بغل کردن، بوسه زدن بر گونه‌ها، تبریک و تهنیت مجازست» (آرژیل، ۱۳۷۸: ۳۹۴).

این شکل از لمس کردن در اینجا به سبب احترام و ادب و قوت بخشیدن به قلب شخصیت مورد نظرست. که علامت و نشان عزت بوده و در جای جای تذکره ارزشمند طبقات الصوفیه مؤثر و شیرین بکاررفته‌است. بوسه بر دست کسی زدن که نشان احترام و فروتنیست یکی از کدهای برجسته ارتباطی در طبقات الصوفیه است. لمس طرف مقابل نشان دهنده میزان صمیمیت با اوست.

*آخر بوسه بر دست من زد؛ گفت: فدای آن دستم که چون درک افتاد، از وجد با علم افتاد، یعنی که نه با جهل افتاد (همان: ۶۱۷: ۱۳۶۲). هر قدر این ارتباط صمیمیتر باشد از لمس بیشتر استفاده میشود. در این عبارت «فدای آن دستم» رمز تکمیل کننده میان تعامل فرستنده و گیرنده است. همچنانکه دست در آغوش شدن با طرف مقابل که نشانه علاقه و احترام فراوانست و نوعی از تماس بدنی دوستانه و صمیمی و تعامل دو طرفه را نشان میدهد. *سبب آن بود که امیری ترسا یک روز به شکار رفته بود. در راه دو تن را دید ازین طایفه [صوفیان] که فراهم رسیدند، دست در آغوش یکدیگر نهادند. (همان: ۸).

*گویند که ابراهیم ادهم بوسه بر سر وی داد و گفت: استاد تویی (همان: ۸۶). بوسیدن زبان نیز نشانه تحسین کردن سخن استادست که هم نشان دهنده تکریم و هم بیان کننده ارتباط صمیمانه مرید و مراد است.

*استاد، علی را گفت: راست می‌گویی؛ زبان از دهان بیرون کن. زبان بیرون کرد، وی بوسه بر زبان وی داد (همان: ۱۳۰).

لمس کردن اجتماعی - مودبانه

در این مورد از ارتباط، تماس جسمانی برای آشنایی هر چه بیشتر و یا اظهار ادب و فروتنی در مقابل دیگران رخ میدهد. رعایت اصول میان شاگرد و استاد و همچنین پایبندی به اصول با دیگران در عرصه اجتماعی و فرهنگی انجام میپذیرد و این رفتارها نشان میدهد آداب خاصتری در لمس کردن افراد با منزلت اجتماعی بالا، نیز هست. «پژوهشهای ارتباطات بین اشخاص در مورد لمس افراد در مناظر عمومی بیان کننده این واقعیتست که این عمل به پایگاه اجتماعی از جهات مختلف مانند پایگاه اجتماعی - اقتصادی، سن، نژاد و جنس بستگی دارد» (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۳۰۵).

* ابوالعباس دینوری از نشابور برفت، به ترمذ آمد. خواجه محمد حامد واشگردی، شاگرد بوبکر وراق پذیره وی آمد و بوسه بر رکاب وی داد (همان: ۱۳۶۲: ۳۶۳).

دینوری که از واعظان بزرگ نیشابورست وقتی وارد ترمذ میشود به نشانه احترام به جایگاه اجتماعی که دارد رکابش را بوسه میزنند. در واقع تماس جسمی و رعایت اصول ادب در یک نقش اجتماعی صورت میپذیرد. مثل بوسیدن سر بوجعفر مجذوم توسط ابوالحسنین دراج، که نشانه غیرکلامی احترام و تکریم و بزرگیست. *چون به دیگر منزل رسیدم، وی را دیدم به فراغت نشسته، هیچ چیز نگفتم، برفتم. چون به سه دیگر منزل رسیدم، او را دیدم به فراغت نشسته. بجای آوردم، افتادم به بوسه فراوی (همان: ۴۲۳).

گاهی لمس افراد به علت جایگاه اجتماعی بالا بیش از آنکه نشانه علاقه و صمیمیت باشد نشان عذرخواهی و بروز رفتاری عمومی در اجتماعست. مثل بوسه‌ای که شیخ سرکی در عمره بر سر نمازگزاران میزند. *وقت عمره آمد، شیخ ابوالحسن سرکی به عمره شد، باز آمد. وقت نماز آمد، نماز کرد و جماعت همه حاضر بودند؛ وی برخاست و فرا سر هر یکی میشد و بوسه بر سر ایشان میداد و عذر میخواست (همان: ۶۷۰).

نمونه رفتارهای غیرکلامی - بساوی (مس)

رفتار غیر کلامی	پیام	کارکرد
آخر بوسه بر دست من زد	احترام و علاقه	جانشینی
فرا سر هر یکی میشد و بوسه میزد	عذرخواهی	جانشینی
افتادم به بوسه فرا وی	احترام	جانشینی
بوسه بر رکاب وی زد	ادب و فروتنی	جانشینی
بوسه بر زبان وی زد	تحسین و تکریم	جانشینی
ابراهیم ادهم بوسه بر سر وی داد	تکریم	جانشینی
بر سر وی بوسه زد	احترام	جانشینی

ارزش و اهمیت مکان (نقش فضا در تهذیب نفس و کمال معنوی افراد)

فضا را «زبان خاموش یا بعد ساکت مینامند و محیط بیشتر از طریق غیرزبانی و کمتر از طریق زبانی به فرد نشان میدهد که چگونه راه برود، بنشینند، بایستد و دست کسی را بگیرد، در چه فاصله‌ای از شخص دیگر بایستد و برای چه مدتی. نحوه استفاده ما از فضا، ادعای مالکیت بر آن، دفاع از آن یا اجازه ورود دیگران به آن به میزان زیادی از راه پیامهای غیرکلامی ارسال شده، تعیین میشود» (محمودی، ۱۳۹۵: ۲۲۱). محیط پیرامون ما و «نحوه استفاده ما از فضا، ادعای مالکیت بر آن، دفاع از آن یا اجازه ورود دیگران به آن، به میزان زیادی از راه پیامهای غیرکلامی ارسال شده، تعیین میشود» (فرگاس، ۱۳۷۹: ۲۰۲).

بارزترین مصداق این نوع ارتباط غیرکلامی، اقامت موقت یا دائمی در حریم خانه خداست که در اصطلاح عارفانه به آن «مجاورت» یا «مجاور» شدن میگویند.

* فضیل بن عیاض امامست از ائمه دین و شرع، از اقران ثوری و مالک، از استادان عبدالله مبارک، به اصل از کوفه است و در مکه بوده مجاور سالها، سید بوده بزرگ (انصاری، ۱۳۶۲: ۳۲). مجاور بودن به علت تقدس مکان نشانه‌ای غیر کلامیست که صوفیه به دلایل مهم چون خلوت گزینی و داشتن چله‌های طولانی از آن بهره‌مند میشدند.

*شیخ بوالحسن حداد هروی سید بوده، درویش، مجرد، ظریف از ظرفای صوفیان. به مکه بوده مجاور با مشایخ درویش صادق (همان: ۶۰۸). گاهی نیز برای تبادل نظرات عرفانی و بحث و گفتگوی میان مشایخ، مجاور شدن و پناه بردن به خانه خدا بهترین بهانه بوده است و این حرکت که معمولاً به شکل گروهی هم اتفاق می‌افتد، نشانه غیرکلامی مشایخ با دیگران است.

فاصله و حدود خود را رعایت کردن و حفظ آن برای احترام و بول نکردن در مجاورت کعبه، در عبارت زیر مصداق دیگری از رفتار غیرکلامی بایزید و بو عثمان مغربیست.

*شیخ الاسلام [خواجه عبدالله انصاری] گفت: استاد وی [بایزید بسطامی] کُردی بود، پهلوی وی در گورست به بسطام. بایزید درخواست که گور من فروتر از آن استاد من برید حرمت استاد را (همان: ۱۰۴).

*شیخ الاسلام گفت که: وی [بوعثمان مغربی] سی سال در مکه بود، در حرم بول نکرده بود حرمت حرم را (همان: ۲۴۲).

نمونه رفتارهای غیر کلامی - فضا و مکان

رفتار غیر کلامی	پیام	کارکرد
سالها مجاور شد	خلوت	جانشینی
گور من فروتر از استاد....	احترام	جانشینی
در حرم بول نکرده بود	تقدیس	جانشینی

ارتباطات آوایی و پیرازبان (لحن، فریاد کردن و از خود بیخود شدن هیجانی)

مطالعه جنبه‌های ارتباطی صدا، ارتباط آوایی یا مطالعه زبان آوایی یا پیرازبان نامیده می‌شود. «ویژگیهای صدا و کاربردهای آن از جمله لهجه‌ای که با آن صحبت می‌کنیم و کویشی که بکار می‌بریم بر این موضوع که چطور پیامهای کلامی بکار می‌روند تاثیر عمده‌ای می‌گذارند» (ریچموند، ۱۳۸۸: ۹۷-۹۸). پیرازبان عبارتست از ارتباط صوتی بدون استفاده از کلمات که شامل نحوه تلفظ کلمات، لحن و درجه پیچیدگی جملات نیز است و صدا یکی از علایم غیربیبانی، منعکس کننده عکس العمل درونی و حالت گوینده است و میتواند جهت تقویت مناسب برای پیامهای بیانی کنترل و توسعه یابد. رسایی صدا نشان دهنده علاقه و توجه به شنونده است و عامل ارزشمندی در انتقال مطلوب پیام بیانیه است. (افراخته و مدرسی، ۱۳۹۹: ۱۱). پیرازبان «شامل نحوه تلفظ کلمات، لحن و پیچیدگی جملات است. اصوات ابزارهایی چند منظوره‌ای هستند که به دیگران می‌گویند چگونه سخنان و رفتار ما را تفسیر کنند» (وود، ۱۳۷۹: ۳۳۰).

*و آن بوسعید مرقعی داشت سپید، بینداخت و بانگی چند بکرد و برفت (انصاری، ۱۳۶۲: ۲۲).

*وی [پسر فضیل عیاض] آن را بشنید و زعقه‌ای بزد و جان بداد (همان: ۳۴).

پیامهای آوایی شدیدی که معمولاً با جامه دریدن همراهست نوعی اعتراض به خودست. اعتراضی که نسبت به نفس در ازای نرسیدن به معرفت و حقیقت مطلق رخ میدهد. بانگ کردن و جامه دریدن که در این عبارت نشان از رسیدن به معرفتی عرفانیست.

*وقتی از جنید چیزی پرسیدند از صبر و توکل؛ جنید آهنگ کرد که جواب گوید، نوری گفت: مگو، جنید بانگ بروی زد، گفت: نه تو وقت محنت صوفیان به یک سوی شدی و دست در دانشمندی زدی؟ مگوی سخن این طایفه را (همان: ۱۹۰).

*گفت: چون به ری شوی مگو که من ذوالنون را دیدم و از آن بازار فرا مساز (انصاری، ۱۳۶۲: ۲۶۹).
*طبل خود چون توان زد ور آگاهی از اسرار؟ (همان: ۳۸۳).

سکوت

پیام سکوت از سخن قویتر و رساترست و در فرهنگهای مختلف «نماینده مفاهیمی چون بی‌احساسی، گم‌گشتگی، سرکوب‌شدگی، ابزار قهر، در فکر بودن، افسردگی، موافقت، عدم موافقت، شرمگین بودن، ادای احترام کردن و... است» (محسنیان را، ۱۳۸۷: ۵۶). نگاه صوفیه به سکوت، بسیار نزدیک بهم و مشترکست. سکوت عارفان زبان و بیانی دیگر دارد و از گویاترین نشانه‌های غیرکلامی در تربیت سالکان و مریدانست بگونه‌ای که شبلی و جنید آن را نشانه‌ای محکم از رسیدن به معرفت حقیقی یا توحید میدانند.
*ابوعمر بن نجید گفته: رب سکوت ابلغ من کلام (همان: ۵۰۷).
سخن نگفتن و گنگ شدن، نشانه غیرکلامی از رسیدن به توحیدست. در واقع سخن نگفتن را عین توحید میدانند.
*توحید صوفیان که به غایت رسد، زبان گنگ گردد (همان: ۲۱۰).
تفاوت مرید و عارف در سخن گفتن و سکوت کردنست *شبلی گوید: المرید ناطق و العارف اخرس (همان: ۶۴).

نمونه رفتارهای غیر کلامی – آوایی

رفتار غیر کلامی	پیام	کارکرد
مرقعی بینداخت و بانگی چند بکرد	حیرت	جانشینی
بانگ از من بیامد و بیفتاد از هوش	تنبه و آگاهی	جانشینی
زققه‌ای بزد و جان بداد	معرفت	جانشینی
العارف اخرس	معرفت	جانشینی
زبان گنگ گردد	آگاهی	جانشینی
سکوت بلیغتر از کلام	معرفت	جانشینی
طبل خود چون توان زد	کشف اسرار	جانشینی
بازار فرا مساز	هیاهو	تکمیلی - جانشینی
همگان جامه دریدند	حیرت	جانشینی
پسند خود بر روی دیو زن	تامل	جانشینی

مصنوعات

زبان اشیاء برای ارتباط بسیار موثر و مهم است. استفاده کردن از وسایلی که در اختیار داریم میتواند پیامهای مختلفی را القاء کند احترام، بی‌احترامی، خیانت، فقر، ثروت و نارضایتی از شرایطی که در آن قرار داریم. هر کدام از این داراییها منبعی از اطلاعات را در مورد دیگران فراهم میکند.
هم کاسه بودن با کسی نیز در معنای هم غذا بودن با کسی علاوه بر نشان دادن تواضع صوفیان صاحب‌نام، پیام مردمداری و رفتار مناسب در اجتماع را القاء میکند.
*شیخ احمد گفت: از بهر آن که روزی با پیری همکاسه بودم (همان: ۶۰۸).
سرد کردن هریسه بر کسی که نشان کم‌توجهی و بی‌اعتنایی نسبت به آن فردست.

* جوانمردی آن بود که هریسه بر یاران سرد نکنی (انصاری، ۱۳۶۲: ۶۰۸).

زنار نشانه غیر مسلمانان بوده است و نماد کفر و بی‌دینی و گاهی به گونه‌ای نماد خود اِتهامی و ملامت‌گری بوده است. نشانه‌ای غیر کلامی که بایزید برای توبیخ نفس و دوری از تکبر از آن بهره برده است.

* بایزید گفت که: چهل سال در دریای اعمال غواصی کردم، چون بر آن برگزیدم، بر میان خود زنار دیدم (همان: ۱۰۵).

* بدان میاریم که پای تاوه در سر بندم و به بازار برآیم و باک ندارم (همان: ۲۶۳). این رفتار نشانه‌ای محکم برای ابراز درویشی و بی‌توجهی به قضاوت دیگران درباره خودست و رنگ و لعابی از ملامت‌گری نفس دارد. همچنانکه مرقع در گردن انداختن عباس خلال که نشانه‌ای از تغییر مصاحبت از توانگری به درویشیت.

* عباس بن محمد الخلال گوید که: بولخیر تینانی مرا گفت که: مرقع در گردن افکنده‌ای، کجا میشوی؟ (همان: ۴۷۲).

ازار و نعلین داشتن که کنایه‌ایست از حالت صحو و فانی نشدن در حقیقت مطلقست. نشانه‌ایست از توجه به نفس و ماندن در مراحل ابتدایی سلوک در توجه بیش از حد به خود.

* شیخ الاسلام گفت که: نه ادبست در میان صوفیان که گویی: اراز من یا نعلین من (همان: ۲۹۲).

رکابدار کسی بودن که نشان عظمت و برتری اوست. این جایگاه می‌تواند اجتماعی، سیاسی و یا دینی بوده باشد.

* بوعبدالله پاکو گفت که: شیخ بوجعفر فرغانی، روی پیش بوعثمان میرفت، رکاب دار وی بود (همان: ۴۱۴).

غاشیه بر گردن نهادن که رفتاری غیر کلامی از تواضع و فروتنی بیش از حد انتظارست.

* بوعثمان غاشیه ورگردن نهاد، در پیش وی برفت (همان: ۴۱۴).

نمونه رفتارهای غیر کلامی - مصنوعات (پوشاک و اشیاء)

رفتار غیر کلامی	پیام	کارکرد
غاشیه ور گردن نهاد	تواضع	جانشینی
رکاب دار وی بود	عظمت	جانشینی
ازار و نعلین به پا	حضور (عدم فنا)	تکمیلی - جانشینی
مرقع در گردن افکنده‌ای	اظهار درویشی	تکمیلی - جانشینی
پای تاوه بر سر بندم	بی‌توجهی به خلق	جانشینی
بر میان خود زنار دیدم	خود اِتهامی	جانشینی
دامن از او درواخ دارید	کم توجهی	جانشینی
هریسه بر یاران نکنی	دوری	جانشینی
روزی با پیری هم کاسه بودم	مصاحبت	جانشینی
گره بر چیزی نزد	دشواری	جانشینی

نتیجه‌گیری

عارفان بیش از شاعران و نویسندگان غیر عارف بگونه‌های متفاوت به ارتباط غیر کلامی نظر داشته‌اند و این نوع ارتباط با پیوند عمیق آن با معانی و القای آن فضای موثرتری را به وجود آورده است. ارتباط غیر کلامی مشمول

تمام حالاتیست که به یک زبان وابستگی ندارد و بدون استفاده از کلام دارای ایده و مفهومست. زبان بدن بسیاری از نیازهای ارتباطی را برآورده میکند و تا حد بسیار زیادی تاثیرگذارترست.

با بررسی جنبه‌های ارتباطی در این پژوهش مشخص میشود که خواجه عبدالله انصاری، از انواع مختلف ارتباطات غیرکلامی برای تذکره خویش بهره برده‌است. دستاورد پژوهش در تحلیل ارتباطهای غیرکلامی در طبقات الصوفیه خواجه عبدالله انصاری ناظر بر اینست که خواجه، در مؤلفه ظاهر فیزیکی به دلیل بیان مقاصد تربیتی و موقعیتهای فردی و اجتماعی، بیشترین استفاده را داشته‌است؛ چنانکه از میان مؤلفه رفتارهای فیزیکی، رفتار غیرکلامی دست، بدلیل حرکت بسوی خدا و دستگیری (ضمن معنای کنایی) در سیر و سلوک عرفانی و تربیت دینی بالاترین بسامد را داشته است و رفتار فیزیکی سر درمیان این مؤلفه‌ها، کمترین بسامد را دارد و از آنجا که در عرفان سرسپردن به غیر خدا مضموم و ناپسندست کم بسامد بودن این رفتار قابل توجه و تاملست.

از دیگر مؤلفه‌های مربوط به اندام، پا ۱۰ مورد، چشم ۸ مورد و چهره ۶ مورد با محوریت پیامی احترام و تواضع و کارکردی جانشینی مورد نظر بوده‌است. خواجه عبدالله از مؤلفه فضا و مکان، کمترین بهره را برده‌است و این میتواند ناظر بر سیال بودن و حرکت مستمر در تربیت عرفانی داشته باشد که سالک وابسته به فضا و مکان خاصی نیست و دائما در جریان و حرکتست.

جمع‌بندی رفتارهای غیرکلامی در طبقات الصوفیه

مؤلفه	جمع	درصد
فیزیکی	۴۱	۵۷/۷
بساوایی	۷	۹/۸
مکان	۳	۴/۲۲
آوایی	۱۰	۱۶/۰۸
مصنوعات	۸	۱۳/۵

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه مازندران استخراج شده است. آقای دکتر مرتضی محسنی راهنمایی این رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مطالعه و نویسنده مسئول بوده‌اند. آقای دکتر مسعود روحانی و احمد غنی‌پور ملک‌شاه بعنوان مشاوران و آقای میلاد موحدی راد دانشجوی دوره دکتری پژوهشگران این رساله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر چهار پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از سردبیر محترم، مدیر مسئول گرامی و همکاران فرهیخته نشریه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) نیز کارکنان گروه محترم زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Ahmadi, Babak, 2018, From visual signs to text: towards the semiotics of visual communication, 8th edition, Tehran, Center Publishing
- Afrokhte, Elhiar and Fatemeh Modaresi, 2019, non-verbal relationships in Shams's sonnets, quarterly report of literary texts of the Iraqi period, first year, number 1, pp. 20-1
- Ansari Heravi, Khwaja Abdullah, 1362. Taqabat al-Sufiyyah, edited and revised by Mohammad Sarwar Moulayi, Tehran: Tous Publications.
- Bagheri, Mehri, 1390. Introduction to Linguistics. 15th edition. Drop publication.
- Berko, Ray M., 2013. Management of personal and public communication, translated by Seyyed Mohammad Arabi and Dawood Ezadi, 8th edition. Tehran: Cultural Research Office.
- Sarokhani, Bagher, 2018. Sociology of Communication. 20th edition. Tehran: Tehran Information.
- Saida, Mohammad, 2015. Twelve steps to effective communication. Second edition, Tehran: Mother.
- Farbod Nia, Babak, 1392. Communication theories and concepts in public relations, journalism and advertising. Tehran: Mahan School.
- Farhani, Ali Akbar, 1373. Basics of human communication. C1. First edition, Tehran: Times.
- Fergas, Joseph P., 1373. Psychology of social interaction. Translated by Mehrdad Firoz Bakht and Khashayar Beigi, Tehran: Abjad.
- Jahangiri, Nader, 1378, Language: Reflection of Time, Culture and Thought, Ch 2. Tehran: Pourang.
- James, Judy, 1377, The Word of the Body. Translated by Arin Book, first edition, Tehran: Nosl No Andish.
- Dadjo, Dere, 2018. Music of Hafez's poetry. Tehran: Zarbaf
- Dimik, Sally (2008), Successful communication with NLP, translated by Ali Esmaili, Ch2. Tehran: Shabahang

- Richmond, Virginia and Jamizmek Kruski, 2018, Non-verbal behaviors in interpersonal relationships, (textbook of non-verbal communication), translated by Fatemeh Elsadat Mousavi and Jila Abdollahpour, under the supervision of Gholamreza Azari, second edition, Tehran.
- Konke, Elizabeth, 1391. The language of the body (in human language) Translated by Zahra Nemati, 8th edition. Tehran: Hirmand.
- Cole, Chris, 2007. Theories of communication. Translated by Shahu Sabbar, Tehran: Research Institute of Cultural and Social Studies.
- Gill, David and Bridget Adams, 1384, The Alphabet of Communication. Translators: Ramin Karimian, Mohammad Nabawi and Mehran Mohajer. Tehran: Office of Media Studies and Planning
- Luberton, David, 1392, Sociology of the body. Translated by Naser Fakuhi, Tehran: Third.
- Lopez, Jose and John Scott, 2015. Societal construction, translated by Hossein Ghazian. Tehran: Ney Publishing.
- Mahmoudi, Maryam and others, 1395, non-verbal communication in Beyhaqi history narratives, Kaush Nameh scientific research quarterly, year 17, number 32
- Mohseni, Morteza and Seyed Ismail Jafari Patroudi, investigation and analysis of non-verbal communication in the Sufi classes of Khwaja Abdullah Ansari, linguistic and rhetorical studies, year 8, number 15, pp. 159-190
- Mohseni, Morteza and Seyed Ismail Jafari Patroudi, The role of irony in the non-verbal communication of Beyhaqi history, Quarterly Literary and rhetorical researches, sixth year, number 21, winter 2016, pp. 28-11
- Mohsenian Rad, Mehdi, 2018. communication to print Tehran: Soroush
- Molko, Sami, 2015. Body language (a guide to interpreting gestures and body movements). Translated by Omid Noori Khajovi. Tehran: Nash Bad
- Wood, Giulati, 2013, Interpersonal communication - Psychology of social interaction. Translated by Mehrdad Firoz Bakht. Second edition. Tehran: Mehtab

فهرست منابع فارسی

- احمدی، بابک. (۱۳۸۸). از نشانه‌های تصویری تا متن: به سوی نشانه‌شناسی ارتباط دیداری. چاپ هشتم. تهران: نشر مرکز.
- افراخته، الهیار و فاطمه مدرسی. (۱۳۹۹). «روابط غیرکلامی در غزلیات شمس». فصلنامه کارنامه متون ادبی دوره عراقی. سال اول. شماره ۱. صص ۱-۲۰.

- انصاری هروی، خواجه عبدالله. (۱۳۶۲). طبقات الصوفیه. مقابله و تصحیح محمد سرو مولایی، تهران: انتشارات توس.
- باقری، مهری. (۱۳۹۰). مقدمات زبان‌شناسی. چاپ پانزدهم. تهران: نشر قطره.
- برکوری ام. (۱۳۹۳). مدیریت ارتباطات فردی و عمومی، ترجمه سید محمد اعرابی و داوود ایزدی. چاپ هشتم. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی ارتباطات. چاپ بیستم. تهران: اطلاعات تهران.
- سیدا، محمد. (۱۳۸۵). دوازده گام تا ارتباط موثر. چاپ دوم. تهران: مادر.
- فربود نیا، بابک. (۱۳۹۲). نظریه‌ها و مفاهیم ارتباطات در روابط عمومی، روزنامه‌نگاری و تبلیغات. تهران: مکتب ماهان.
- فرهنگی، علی اکبر. (۱۳۷۳). مبانی ارتباطات انسانی. ج ۱. چاپ اول، تهران: تایمز.
- فرگاس، جوزف پی. (۱۳۷۳). روانشناسی تعامل اجتماعی. ترجمه مهرداد فیروز بخت و خشایار بیگی، تهران: ابجد.
- جهانگیری، نادر. (۱۳۷۸). زبان: بازتاب زمان، فرهنگ و اندیشه. ج ۲. تهران: پورنگ.
- جیمز، جودی. (۱۳۷۷). کلام جسم. ترجمه آرین بوک. چاپ اول. تهران: نسل نواندیش.
- دادجو، دره. (۱۳۸۶). موسیقی شعر حافظ. تهران: زریاف.
- دیمیک، سالی. (۱۳۸۵). ارتباط موفقیت آمیز با NLP ترجمه علی اسماعیلی. ج ۲. تهران: شباهنگ.
- ریچموند، ویرجینیایی و جمیز مک کروسکی. (۱۳۸۸). رفتارهای غیرکلامی در روابط میان فردی. (درسنامه ارتباط غیرکلامی). ترجمه فاطمه السادات موسوی و ژبلا عبدالله پور. زیر نظر غلامرضا آذری. چاپ دوم. تهران: دانژه.
- کونکه، الیزابت. (۱۳۹۱). زبان بدن (به زبان آدمیزاد). ترجمه زهرا نعمتی. چاپ هشتم. تهران: هیرمند.
- کول، کریس. (۱۳۷۷). نظریه‌های ارتباطات. ترجمه شاهو صبار. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- گیل، دیوید و بریجت ادمز. (۱۳۸۴). الفبای ارتباطات. مترجمان: رامین کریمیان، محمد نبوی و مهران مهاجر. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- لوبرتون، داوید. (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی بدن. ترجمه ناصر فکوهی. تهران: ثالث.
- لوپز، خوزه و جان اسکات. (۱۳۸۵). ساخت اجتماعی. ترجمه حسین قاضیان. تهران: نشر نی.
- محمودی، مریم و دیگران. (۱۳۹۵). «ارتباطهای غیرکلامی در روایت‌های تاریخ بیهقی». فصلنامه علمی پژوهشی کاوشنامه. سال ۱۷. شماره ۳۲.
- محسنی، مرتضی و سید اسماعیل جعفری پطروودی. «بررسی و تحلیل ارتباطات غیرکلامی در طبقات الصوفیه خواجه عبدالله انصاری». مطالعات زبانی و بلاغی. سال ۸. شماره ۱۵. صص ۱۵۹-۱۹۰.
- (۱۳۹۶) «نقش کنایه در ارتباطات غیرکلامی تاریخ بیهقی». فصلنامه پژوهشهای ادبی و بلاغی. سال ششم. شماره ۲۱، زمستان، صص ۲۸-۱۱.
- محسنیان راد، مهدی. (۱۳۸۹). ارتباط شناسی. چاپ دهم. تهران: سروش.

- مولکو، سامی. (۱۳۹۵). زبان تن (راهنمای تعبیر اشاره‌ها و حرکات بدن). برگردان امید نوری خواجوی. تهران: نشر باد.

- وود، جولیاتی. (۱۳۸۳). ارتباط میان فردی - روانشناسی تعامل اجتماعی. ترجمه مهرداد فیروز بخت. چاپ دوم. تهران: مهتاب.

معرفی نویسندگان

میلاد موحدی راد: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

(Email: m.movahedi03@umail.umz.ac.ir)

(ORCID: 0009-0009-8695-035x)

مرتضی محسنی: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

(Email: mohseni@umz.ac.ir; نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0002-2071-1622)

مسعود روحانی: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

(Email: rohani46@yahoo.com)

(ORCID: 0000-0001-9577-1980)

احمد غنی‌پور ملک‌شاه: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

(Email: a.ghanipour@umz.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-1864-9209)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Milad Movahedi Rad: PhD student of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

(Email: m.movahedi03@umail.umz.ac.ir)

(ORCID: 0009-0009-8695-035x)

Morteza Mohseni: Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

(Email: mohseni@umz.ac.ir; Responsible author)

(ORCID: 0000-0002-2071-1622)

Massoud Rohani: Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

(Email: rohani46@yahoo.com)

(ORCID: 0000-0001-9577-1980)

Ahmad Ghanipour Malekshah: Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

(Email: a.ghanipour@umz.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-1864-9209)